

زندگی‌های دوگانه، فرصت‌های دوباره

سینمای کریشتف کیشلوفسکی

آنت اینسدورف، ترجمه‌ی محمدرضا شیخی



فهرست

۹	درباره‌ی نویسنده
۱۱	سپاس‌گزاری
۱۳	پیش‌گفتار
۱۵	پیش‌درآمد
۱۷	۱. مسیر زندگی فیلم‌های کوتاه دوران
۳۹	۲. نخستین فیلم‌های داستانی
۵۶	۳. اتفاق و مرگ
۷۲	۴. ده فرمان: ده «داستان کوتاه» درباره‌ی میرایی بشر
۱۱۶	۵. زندگی دوگانه‌ی ورونیک
۱۲۶	۶. سه رنگ: آبی
۱۳۷	۷. سه رنگ: سفید
۱۴۸	۸. سه رنگ: قرمز
۱۶۲	مؤخره
۱۶۵	پی‌نوشت‌ها
۱۷۴	فیلم‌شناسی
۱۷۹	منابع
۱۸۲	نمایه‌ی آثار و اشخاص
۱۸۷	تصاویر

مسیر زندگی فیلم‌های کوتاه دوران مدرسه‌ی سینمایی: فیلم‌های مستند

وقتی کریشتف کیشلوفسکی در ۱۳ مارس ۱۹۹۶ در ۵۴ سالگی درگذشت، آن‌هایی که با سینماگر و فیلم‌هایش آشنایی داشتند به‌تازده شدند و این مرگ آن‌ها را یک‌راست به سمت طرح پرسشی به‌غایت کیشلوفسکی‌وار سوق داد. پس از اولین حمله‌ی قلبی کیشلوفسکی، هر چند بسیاری از دوستان تلاش کردند او را از ماندن در لهستان منصرف و ترغیب کنند تا برای عمل بای‌پس (امکان عمل قلب باز در یکی از دو مرکز تخصصی لهستان بود) به پاریس یا نیویورک برود، سینماگر با این استدلال که او نیز فقط یک شهروند معمولی لهستانی است و به پزشکانش اعتماد دارد، از این کار امتناع ورزید. با پای خودش به بیمارستان ورشورفت، برگه‌ی اطلاعات را پُر کرد، تن به تیغ جراحی سپرد، و دیگر هرگز بیدار نشد. به عقیده‌ی دوستانش، مسئولیت این کار متوجه بیمارستان بود، چون پزشکان هنوز فرصت آشنایی با تجهیزات پزشکی جدید و وارداتی را پیدا نکرده بودند. (۱)

نیویورکی‌های زیادی هم در مرکز لینکلنِ منهتن که همان هفته برنامه‌ای برای نمایش ده فرمان در سالن والتر رید ترتیب داده بود، از مرگ او مطلع شدند. درست پیش از نمایش فیلم‌ها، خبر درگذشت سینماگر را به تماشاگران دادند. به‌تازده و مغموم تلاش می‌کردیم توضیحی منطقی برای فقدانش پیدا کنیم: «البته مرگ او به معنای محروم شدن از فیلم‌های نساخته نیست: کیشلوفسکی قبلاً اعلام کرده بود قصد بازنشستگی دارد و بعد از قرمز دست از فیلم‌سازی خواهد کشید.» بعد—درست مثل فیلم‌های خودش—شروع کردیم به گمانه‌زنی درباره‌ی سیر رویدادها. آیا به این خاطر تصمیم گرفته بود فیلم‌سازی را کنار بگذارد که به مرگ خودش آگاه شده بود؟ یا فکر این‌که گفتنی‌ها را گفته، میل به